

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲۵

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۲۵۷-۲۷۴

## جستاری در شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كَلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» سیر تاریخی شکل‌گیری، معناشناسی و صحت

محمد رضا شاهرودی\*

محمد فراهانی\*\*

### ◀ چکیده

«شعارهای عاشورایی» پیام‌هایی رسا و آگاهی‌بخش، برگرفته از فرهنگ غنی عاشورا است که عمدتاً ریشه در بیانات امام حسین علیه السلام دارد؛ این شعارها به‌طور کلی به چهار دسته تقسیم می‌شود: ۱. انتساب آن‌ها به امام حسین علیه السلام قطعی است؛ ۲. «نقل به معنا» شده است و نقل لفظ آن‌ها در مصادر اصیل وجود ندارد؛ ۳. «مضمون» آن‌ها در روایات قطعی‌الصدر ملاحظه می‌شود؛ ۴. ساختگی است و به‌واسطه اطلاق، عمومیت و افاده مفهومی غلط، نمی‌توان پذیرفت که از ناحیه امام صادر شده باشد. در این میان، برای شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كَلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» به‌عنوان روایت معصوم، سندی وجود ندارد ولی با توجه به منابع روایی، این شعار، جزء دسته سوم شعارهای عاشورایی قرار می‌گیرد. بر اساس روایاتی مانند «لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» و «لَا يَوْمَ كَيَوْمِ الْحُسَيْنِ» که ظاهراً در تضاد با شعار مذکور است، می‌توان گفت این شعار، نشانگر اوج ظلم بر ضد عالی‌ترین تجسم بشریت و اوج رویارویی با ستمی است که در کربلا نمود داشته؛ نیز مضمون روایت «فَلَكُمْ فِيَّ اسْوَةٌ»، شعار مذکور را تأیید می‌کند.

◀ کلیدواژه‌ها: نقد الحدیث، شعار، عاشورا، روایات عاشورایی.

\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، نویسنده مسئول / mshahroodi@ut.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران جنوب / Yasekabood.org@gmail.com

## ۱. مقدمه

تاریخ اسلام شاهد حوادث گوناگونی در بازه فراتر از چهارده قرن خود بوده و برخی از این حوادث از حیث تأثیرگذاری بر فرهنگ اسلامی و به‌ویژه مذهب تشیع ماندگارتر و برجسته‌ترند. بی‌شک رخداد عاشورای سال ۶۱ از مهم‌ترین این وقایع است و لذا در میان محققان حوزه تاریخ اسلام و به‌خصوص تاریخ تشیع، جایگاهی ویژه یافته است. این نقش و تأثیرگذاری دامنه‌دار، بیش از پیش الزام به شناخت، تحلیل و نقد و بررسی ابعاد مختلف نهضت عاشورا را به‌صورت گسترده و عمیق ایجاد می‌کند. اهمیت و تأثیر مذکور باعث شده است که توجه بسیاری به واقعه سال ۶۱ هجری صورت گیرد؛ ضمن اینکه گرچه در ظاهر به اهمیت و تأثیر واقعه عاشورا دست نیابیم، بر پایه آموزه‌های دینی، موظف به توجه و بهره‌گیری از معنویت و درس‌های حماسی و تربیتی عاشورا هستیم. اهمیت و گستردگی حادثه و نیز دور شدن از زمان وقوع آن، به‌طبع اختلافاتی در نقل وقایع، اشخاص، گفته‌ها و مکان‌های مرتبط با واقعه کربلا پیش آورده که شایسته نقد و بررسی است. همچنین شایان ذکر است که پیرایه‌های افزوده‌شده بر حوادث مهم و تاریخ‌ساز بشری از جمله دربارهٔ مقتل سیدالشهدا علیه السلام بسیار زیاد و موجب تحیر محققان و عموم کسانی است که به‌نوعی با این‌گونه حوادث تاریخ‌ساز مرتبط هستند. این مهم در ماجرای عاشورا و مقتل سیدالشهدا علیه السلام از اهمیتی دوچندان برخوردار است؛ زیرا نهضت حسینی علاوه بر بُعد الهی آن، مردمی‌ترین رویداد اسلام و به‌طور ویژه مکتب شیعه است که با فرهنگ، عقیده و آداب و سنن پیروان این مکتب گره خورده و آمیختگی آن با عقیده و سنت، زمینه‌ای را فراهم کرده است که دست‌اندرکاران موضوع مقتل، حتی تودهٔ مردم، از جنبه‌های گوناگون در جریان عاشورا و موضوع شهادت سیدالشهدا علیه السلام دخل و تصرف‌هایی انجام دهند؛ حتی اگر در برخی موارد، عنصر شایستهٔ توجهی در نقل‌های حادثهٔ عاشورا نیافته‌اند، سعی کرده‌اند آن را جستجو نمایند و در صورت نیافتن، بر آن بیفزایند<sup>۱</sup> تا جایی که ملاحظه می‌شود گاه چهره‌های شاخصی از دانشمندان، نوعی اباحه و تسامح در این زمینه داشته و هر روایت و سخنی را در حوزهٔ مذکور پذیرفته‌اند. برای نمونه مشاهده می‌شود که فخرالدین طریحی در کتاب *المتخب*<sup>۲</sup>،

میرزا آقای دربندی در *اکسیر العبادات فی اسرار الشهادت*<sup>۳</sup>، مولی محمد مهدی نراقی در *محرِق القلوب*<sup>۴</sup>، مولی حبیب‌الله کاشانی در *تذکرة الشهداء*<sup>۵</sup> و ملا حسین واعظ کاشفی در *روضه الشهداء*<sup>۶</sup> نیز در این باره مطالب سست و بی‌پایه‌ای دارند. (صحتی سردرودی، ۱۳۸۳ش، ص ۴۲، ۴۶، ۵۶ و ۷۷) در حالی که این شخصیت‌ها دارای رتبه علمی و آثاری دقیق و محققانه بوده‌اند. محدث نوری راز اصلی نفوذ مطالب سست و بی‌اساس در کتاب‌های چنین شخصیت‌های علمی را تساهل ایشان در ذکر فضایل، قصص و مصایب می‌داند؛ چه اینکه این دسته از دانشمندان دینی در ابواب مختلف علمی، تحقیق را لازم می‌دانستند و به آن پایبند بودند ولی در مورد سه موضوع بیان‌شده نوعی تسامح داشتند؛ لذا گزارش‌های غیر مستندی که از جهت تاریخی و روایی از درجه اعتبار ساقط بودند، وارد منابع و مقاتل شد. (محدث نوری، ۱۳۸۸ش، ص ۱۸۷)

یکی از شئون گزارش‌های عاشورایی، آموزه‌های رسیده از این مکتب و برداشت‌های برگرفته از قیام امام حسین علیه السلام موسوم به «شعارهای عاشورا»<sup>۷</sup> است که از شرایط مقاتل، مستثنا نیست؛ آن‌سان که از نفوذ مطالب سست و بی‌اساس نیز در امان نمانده است. شعارهای برگرفته‌شده از منابع مختلف در ارتباط با عاشورا که از آن با عنوان شعارهای عاشورایی یاد می‌کنیم، با به‌کارگیری معیارهای فهم و نقد حدیث، به چهار دسته قابل تقسیم‌اند: ۱. انتساب آن‌ها به امام حسین علیه السلام قطعی است؛ ۲. «نقل به معنا» شده است و نقل لفظ آن‌ها در مصادر اصیل وجود ندارد؛ ۳. «مضمون» آن‌ها در روایات قطعی الصدور ملاحظه می‌شود؛ ۴. ساختگی است و به واسطه اطلاق، عمومیت آن و برخی از برداشت‌های غلط، نمی‌توان پذیرفت که این شعارها از ناحیه امام علیه السلام صادر شده باشد. دلیل انقسام شعارهای مذکور به اقسام چهارگانه فوق، ارزیابی این شعارها با معیارهای ثابت‌شده در دانش‌های حدیثی به‌ویژه نقد الحدیث و فقه الحدیث است.<sup>۸</sup>

پیش از ورود به طرح مسائل قابل پژوهش در این گفتار، جا دارد نگاهی گذرا بر آثاری صورت پذیرد که به این موضوع پرداخته‌اند: درباره شعارهای عاشورایی، آثار چندانی در اختیار نیست لکن از بین معدود نوشته‌هایی که در این زمینه موجود است، می‌توان از استاد شهید مرتضی مطهری یاد کرد که در بخشی از کتاب *حماسه حسینی*

به جایگاه این شعارها در شناخت صحیح نهضت حسینی می‌پردازد. همچنین کتاب «شعارهای عاشورایی» نوشته مهدی نیلی‌پور نیز به موضوعات، ویژگی‌ها، درس‌ها و اقسام شعارهای عاشورایی پرداخته است؛ علاوه بر کتب پیش گفته، در مقالات «نهضت حسینی و رسالت مبلغان دینی» (موگهی، ۱۳۸۷ش)، «تحریف‌شناسی تاریخ امام حسین علیه السلام با رویکردی کتاب‌شناسانه» (صحتی سردرودی، ۱۳۸۳ش) و «بازخوانی چند حدیث مشهور درباره عاشورا» (همو، ۱۳۸۱ش) و مقاله «نقل‌های مجعول و مشهور» (موسوی، ۱۳۸۲ش) به تحلیل انتقادی برخی از شعارهای عاشورایی پرداخته شده است. اگرچه این آثار به شعارهای عاشورایی پرداخته‌اند، وجه تمایز این پژوهش، در دسته‌بندی شعارهای عاشورا از جهت صحت یا عدم صحت صدور و به‌ویژه بررسی متنی و سندی شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» است.

با توجه به آنچه گفته شد، مشخص می‌شود تحقیق و پژوهش در شعارهای عاشورا به چه میزان حائز اهمیت است. بدین سبب، پژوهش پیش رو بر آن است که شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» را طی سه مرحله مورد بحث و بررسی قرار دهد؛ لذا در این بخش، ابتدا به سیر تاریخی شکل‌گیری این شعار، سپس معناشناسی و در آخر، درباره صحت و درستی متن آن به تبیین و تشریح این موضوع با عنایت به علوم حدیث پرداخته شده است.

## ۲. سیر تاریخی شکل‌گیری شعار کُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا

شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» یکی از معروف‌ترین شعارهای عاشوراست و در آثار معاصر اعم از کتاب‌ها، مقالات، روزنامه‌ها، سخنرانی‌ها، پیام‌ها، وصیت‌نامه‌ها و... به‌طور مکرر به کار رفته است. تا جایی که این شعار، گاهی به‌عنوان روایتی از امام صادق علیه السلام تلقی شده است. (نک: عزیزی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۸؛ محدثی، ۱۳۷۶ش، ص ۳۷۱؛ رحمانی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۱۷)<sup>۹</sup>

بر اساس تحقیق و بررسی فراوان به‌عمل آمده در منابع مختلف، اعم از کتب محوری قدیم و جدید شیعه و کتب صحاح و مصادر روایی اهل سنت، باید گفت که به‌طور قطع، لفظ و معنای دقیق<sup>۱۰</sup> این شعار در هیچ‌یک از کتب روایی موجود مشاهده نمی‌شود. مؤید این مدعا سخن نگارنده مقاله «نهضت حسینی و رسالت مبلغان دینی»

است که در مراکز مختلف پژوهشی در حوزه حدیث، تحقیق کرده است؛ چه اینکه ایشان اظهار می‌دارد که از حدیث‌شناسانی چون آیت‌الله شبیری زنجانی در مورد شعار مورد بحث، پرسش نموده و مستندی نیافته است که بتوان به واسطه آن، جمله مذکور را به امام صادق (ع) یا امام دیگری نسبت داد. (موگهی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۱) بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت این شعار گرچه بسیار مشهور است، نمی‌توان آن را روایت دانست.

اکنون باید دریافت که خاستگاه این شعار کجاست، چگونه پرداخته شده و چطور به عصر کنونی رسیده است؟ در سیر جستجوی این مطلب، نخستین منبعی که مشاهده می‌شود، حاوی محتوایی سازگار با شعار مورد بحث است، اشعاری با مضمون قیام حسینی است که عبارات و مفهوم مشترکی با شعار مذکور دارد:

۱. نخستین کسی که تعبیری نزدیک به این شعار را در سروده خود به کار برده، شرف‌الدین ابو عبدالله محمد بن سعید بوسیری است که به القاب دیگری همچون «صنهاجی» و «مغربی» نیز شهرت دارد.<sup>۱۱</sup> او که در شعر و نثر، بسیار مورد ستایش قرار گرفته (امین مقدسی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۲)، در مورد مصائب اباعبدالله الحسین (ع) شعری دارد که در آن عبارات، شعار مذکور، با اندکی اختلاف در لفظ و تفاوت در معنا (آن‌سان که از عبارت ظهور می‌یابد) بیان شده است. آن اشعار عبارت است از:

الطف مصائبهما و لا كربلاء	من شهیدین لیس ینسینی
وس و قد خان عهدک الرؤساء	ما رعی فیهما ذمامکم مرؤ
منهم کربلا و عاشورا <sup>۱۲</sup>	کل یوم و کل ارض لکربی

(بوسیری، ۱۳۷۴ق، ص ۶۰)

با توجه به قدمت این ابیات و جایگاه شاعری چون بوسیری، می‌توان از این شعر نمونه‌ای از ریشه‌های شعار مذکور دانست.

۲. شعر دوم متعلق به سید علی خان مدنی از مفاخر شیعه در قرن یازدهم است که در رثای امام حسین (ع) سروده است:

کأنما کلّ یوم یوم عاشور	یا وقعة الطّف خلّدت القلوب أسی
-------------------------	--------------------------------

(انوار و عربی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۸؛ مدنی، ۱۹۶۲م، ص ۸ و ۱۰)

در این قصیده نیز عبارات بخش اول شعار مورد بحث، یعنی «کل یوم عاشورا» در بیت «یا وقعة الطّف خلّدت القلوب أسی / کأنما کلّ یوم یوم عاشورا» با اندکی تفاوت ذکر شده است. البته اینکه خاستگاه اولیه شعار «کلّ یوم عاشورا وَ کُلُّ أَرْضٍ کَرَبَلَا»، شعر این دو شاعر دانسته شود، جای تأمل و تحقیق بیشتری دارد.

### ۳. سیر اشتهار شعار کلّ یوم عاشورا وَ کُلُّ أَرْضٍ کَرَبَلَا

در بخش پیشین به چگونگی شکل‌گیری و حیات تاریخی شعار مورد بحث پرداخته شد، اما علاوه بر حضور شعارگونه به عنوان یک نماد، جا دارد سیر شهرت شعار یادشده نیز مورد واکاوی قرار گیرد؛ زیرا شکل‌گیری و بقای یک شعار، همواره مستلزم شهرت آن نیست و می‌توان علاوه بر امر مذکور، دلایل اشتهار آن را نیز بررسی کرد. نگارش حاضر به عنوان یک فرضیه، سبب شهرت این شعار را در فضای اجتماعی ایران و برخی جوامع همسو، بیانات بنیان‌گزار فقید جمهوری اسلامی و برد رسانه‌ای بیانات ایشان می‌داند؛ چه اینکه مکرر در سخنرانی‌ها و نوشته‌های ایشان، شعار مذکور ملاحظه می‌شود (نک: خمینی، ۱۳۸۹ش، ج ۹، ص ۵۷) و محققان آثار و دیدگاه‌های امام خمینی، بارها به این شعار به عنوان یکی از مبانی سیاسی ایشان پرداخته‌اند. برخی معتقدند که امام خمینی علیه السلام این شعار را در عرصه مبارزات سیاسی مطرح نموده و در حقیقت ایشان با استفاده از سیره و سنت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسین علیه السلام، در موضوع جهاد و شهادت، این مفهوم را استخراج و استفاده کرده‌اند؛ آن‌سان که برخی دیگر بر این باورند که شرایط موجود در ایران و حاکمیت رژیم پهلوی نیز از عوامل طرح شعار مورد بحث به عنوان شعاری محرک و دعوت‌کننده به قیام علیه ستم شاهی بوده است. (محمدی، ۱۳۸۷ش، ص ۵۴) اگرچه برخی از نویسندگان، شعار «کلّ یوم عاشورا وَ کُلُّ أَرْضٍ کَرَبَلَا» را جزء واژه‌ها و عبارات‌های ابداعی امام راحل دانسته‌اند؛ زیرا ایشان در رهبری و هدایت جریان انقلاب با وضع برخی عبارات، اصطلاحات و ترکیبات، فرهنگی غنی در القای حماسه عاشورا ساخته و پرداخته‌اند که حاصل این فرهنگ‌سازی، تضعیف، نفی و نابودی جریان‌های انحرافی و ضد اسلامی بوده است. (دهشیری، ۱۳۸۰ش، ص ۱۲-۱۴)

با مراجعه به آثاری که مشتمل بر بیانات امام راحل است، می‌توان نمونه‌های فراوانی

جستاری در شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» سیر تاریخی شکل‌گیری، معناشناسی و صحت ۲۶۳

را در پرداختن به شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» به دست آورد که نشانگر جایگاه خاص مفهوم این شعار در رویکرد سیاسی ایشان است. بنیان‌گذار فقید انقلاب، شعار فوق را به‌عنوان «سرمشق و سرلوحه زندگی امت» معرفی کرده و از آن به‌عنوان «دستور آموزنده» یاد می‌کنند که شعار قیام عدالت‌خواهان علیه ستمگران است<sup>۱۳</sup> (خمینی، ۱۳۸۹ش، ج ۹، ص ۵۷) و در این قیام، محدودیت زمانی و مکانی راهی ندارد و عده و عده، فرع محسوب می‌شود و عشق و ایمان، ملاک اصلی است. (همان، ج ۱۰، ص ۳۱۵) ایشان در جای دیگری از این شعار به «تکلیف مستضعفان علیه مستکبران» تعبیر کرده و معتقدند شهیدانی که به تاسی از حضرت سیدالشهدا علیه السلام و با شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» به شهادت می‌رسند، تکرار شده شهادی کربلا هستند و مخالفان ملت ایران را از تبار یزید و یزیدیان می‌دانند. (همان، ج ۹، ص ۴۴۵)

البته ناگفته نماند که برخی نیز شعار مذکور را از شعارهای حوثی‌های یمن می‌دانند که در حال حاضر، طراح عقاید جدید زیدیه هستند و با طرح و تفسیر شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» توانسته‌اند جهاد خود را «مقابله جبهه حق با جبهه باطل» معرفی کنند.<sup>۱۴</sup> به عقیده آن‌ها آمریکا و اسرائیل مصداق و پشتیبان حقیقی یزیدیان زمان هستند. (طاهایی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۲۰) اگر پذیرفته شود شعار مورد بحث از شعارهای حوثی‌های یمن است، می‌توان چنین تلقی کرد که آن‌ها این شعار را از آموزه‌ها و بیانات امام راحل گرفته‌اند. آخرین سخن، اینکه برخی از عالمان معاصر نیز طرح این شعار را به علامه شیخ جعفر شوشتری نسبت می‌دهند. (محدثی، ۱۳۷۶ش، ص ۳۷۱)

#### ۴. بررسی آراء در خصوص شعار كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا

اکنون آراء گوناگون درباره شعار پیش‌گفته، مطرح و سپس آراء مطروحه به دست نقد و بررسی سپرده شده و در پایان نیز مفهوم و تفسیری برگزیده از شعار مذکور ارائه می‌شود.

#### ۴-۱. موافقان

با بررسی آثار مکتوب باقی‌مانده از انقلاب اسلامی و نقطه‌نظرات و بیانات پایه‌گذاران اصلی آن، به‌ویژه امام خمینی رحمته الله علیه و برخی از علما و مراجع عظام<sup>۱۵</sup>، می‌توان آن‌ها را جزء موافقان بلکه معتقدان و مطرح‌کنندگان این شعار (البته نه به‌عنوان یک روایت و

مطلب مأثور) دانست. چنان که در مقاله حاضر به برخی از مستندات موجود از اشاره صریح امام راحل به شعار مذکور اشاره خواهد شد، ایشان این جمله را با عناوین «سرمشق و سرلوحه زندگی امت»، «دستور آموزنده»، «تکلیف مستضعفان علیه مستکبران» و... مورد تأکید قرار داده‌اند. استاد شهید مطهری هم در بحث تحریف، بیانی دارد که مؤید مفهوم شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» است. ایشان معتقدند تحریف اصلی در نهضت عاشورا که تغییر هویت آن محسوب می‌شود، تحریف معنوی است که اساساً حرکت امام حسین علیه السلام را یک تکلیف فردی معرفی کرده‌اند که قابل پیروی نیست. ایشان از این تحریف به عنوان «بالا ترین خیانت به حسین بن علی علیه السلام» یاد می‌کنند. (مطهری، ۱۳۷۶ ش، ج ۱۷، ص ۱۱۰) این نوع تلقی از نهضت حسینی همان است که همواره مورد تبلیغ حکومت‌های استکباری بوده و تفسیر نهضت آن حضرت با مفهوم شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» که دیگران باید به عنوان دستورالعمل زندگی همواره پیش رو داشته باشند، مورد انتقاد و تضعیف قرار گرفته است.

#### ۲-۴. منتقدان

دیدگاه دیگر، آن را به عنوان یک شعار ساختگی مورد انتقادی تند قرار داده و معتقد است کتاب‌هایی که با تأثیرپذیری از زبیده نوشته شده‌اند، بر محور شعار مورد بحث می‌چرخند. منتقدان این شعار، محور کتاب‌های مذکور را شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» می‌دانند و آثار فوق را با عباراتی چون «غلو»، «افراطی‌گری»، «اغراق»، «تملق»، «چاپلوسی»، «لعن»، «نفرین»، «دشنام» و... توصیف می‌کنند و کتاب‌های پیش‌گفته را فاقد ادب علمی می‌دانند. (صحتی سردودی، ۱۳۸۳ ش، ص ۳۶؛ آلاندوزی، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۶۰) ایشان مأثور بودن لفظ و محتوای شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» را همچون دیگر پژوهشگران دقیق‌نگر باور ندارند و به علاوه مضمون پیام موجود در شعار فوق را نیز فاقد انطباق با مضامین کلی و اطلاعات شرعی می‌دانند. به نظر می‌رسد منتقدان شعار مورد بحث با چنین تعبیری، انتقاد شدید خود را به قائلان دیدگاه مذکور بیان می‌کنند. گاهی در مباحث این گروه، جنبه‌های حزبی و سیاسی نیز مطرح می‌شود و شعار مورد بحث را شعر یا شعار حزبی جنگ‌طلب و تبلیغ آن را در



رسانه‌ها و مراسم دینی نادرست می‌دانند. ایشان همچنین در ضمن مباحث خود به نبودن سندی برای این شعار، اشاره و تأکید می‌کنند. (صحتی سردرودی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۳۷؛ موسوی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۳۶) و نیز شعار یادشده را براننده برخی از فرق شیعه دانسته و سرچشمه آن را به فرقه کیسانیه یا اسماعیلیه نسبت داده و با انتقاد از اعتقاد به «قائم بالسیف» بودن امام، بحث و درس را بزرگ‌ترین شاخصه امامان معصوم علیهم‌السلام می‌دانند و معتقدند که وظیفه اصلی امام هدایت است و محور اصلی در مذهب جعفری در معرفت امام، علم و دانش اوست و اینکه قیام مسلحانه مهم‌ترین امتیاز در امامت و امام است، سخن ناسخته و نسنجیده‌ای است. (همان‌جا)

### ۵. معناشناسی و صحت شعار كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا

در این بخش، شعار مذکور به منظور معناشناسی و ارزیابی صحت آن، نخست مورد نقد درونی قرار می‌گیرد. یکی از روش‌های نقد درونی حدیث، روش نقلی است که در آن، حدیث به قرآن و سنت ارجاع داده می‌شود؛<sup>۱۶</sup> چه اینکه بر مبنای روایات، قرآن<sup>۱۷</sup>، ملاک و معیار قبول یا رد خبر و همچنین، قول رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم<sup>۱۸</sup>، ملاک نقد درونی حدیث است. (کلینی، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۶۹)

بنابراین در نقد و بررسی درونی شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» باید ملاحظه کرد این شعار با سنت و روایات معصومان علیهم‌السلام تعارض دارد یا خیر؟ یکی از احادیثی که محتوای آن با شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» تعارض ظاهری دارد، روایتی است که شیخ صدوق نقل می‌کند. در این حدیث آمده است که امام حسن علیه‌السلام خطاب به حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام فرموده‌اند: «لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»<sup>۱۹</sup>؛ هیچ روزی مثل روز تو نیست!<sup>۲۰</sup> شیخ صدوق در روایت دیگری نیز آورده است که امام زین‌العابدین علیه‌السلام فرموده‌اند: «لَا يَوْمَ كَيَوْمِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام»<sup>۲۱</sup> به نظر می‌رسد وجه توجیه و رفع تعارض موجود بین شعار مذکور و روایات مسندی را مثل «لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۱۱۶) و «لَا يَوْمَ كَيَوْمِ الْحُسَيْنِ» (همان، ص ۴۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۴، ص ۲۹۸) می‌توان در نگاهی جامع به نهضت حسینی یافت و اگر این شعار را اینطور تعبیر کرد که امام راحل تفسیر کرده‌اند: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا دستور است به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت

را ادامه بدهید...» (خمینی، ۱۳۸۹ش، ج ۱۰، ص ۳۱۵)، می‌توان این شعار را نمادی از «الگوگیری» از نهضت حسینی علیه السلام دانست که جزء دسته سوم شعارهای عاشورایی قرار می‌گیرد؛ یعنی شعارهایی که نقل به معنا نشده ولی مضمون آن‌ها در معارف مطلق و مسلم شیعی است که چه‌بسا از روایت خاصی دریافت نشده است. با این تعبیر، ریشه‌های زیادی را در روایات، زیارات و فرمایش‌های امام حسین علیه السلام می‌توان یافت. چنان‌که آن حضرت در مسیر کربلا پس از مواجهه با سپاه حر، در منزلگاه «بیضه»<sup>۲۲</sup>، حرکت خویش را در مبارزه با طاغوت عصر خودش، برای مردم دیگر سرمشق می‌داند و می‌فرماید: «فَلَكُمْ فِيَّ اسْوَةٌ»<sup>۲۳</sup> (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۳۰۴)

علاوه بر روایت پیش‌گفته، اهتمام و توصیه ائمه معصومین علیهم السلام در طول سال به احیای یاد و ذکر واقعه عاشورا بیان‌گر تأکید ایشان بر جاری و ساری بودن کربلا و عاشورا در طول زمان‌ها و مکان‌هاست؛ برای نمونه نک: توصیه امام رضا علیه السلام به ریّان بن شیبب: «...إِنْ كُنْتَ بَاكِيًا لَشَيْءٍ فَبَاكٍ لِلْحَسَنِ...» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۹۹) و اینکه امام سجاد علیه السلام چهل سال هنگام خوردن آب و غذا به یاد واقعه عاشورا می‌گریستند و می‌فرمودند: «قُتِلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ جَائِعًا قُتِلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ عَطْشَانًا» (سید بن طاووس، ۱۳۴۸ش، ص ۲۰۹) و درباره ایشان آمده است: «فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى لَحِقَ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (همان‌جا)

## ۶. نتیجه‌گیری

۱-۶. بررسی مجامع حدیثی چنین نتیجه می‌دهد که شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءَ وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءَ» به‌عنوان روایت منقول از معصوم علیه السلام تلقی نمی‌شود و نمی‌توان آن را روایتی منسوب به امام معصوم علیه السلام به حساب آورد؛ گرچه با دقت بیشتر در منابع روایی می‌توان گفت این شعار به معنای «وجود نبرد بین حق و باطل، در هر زمان و هر مکان» ریشه در تعالیم دین دارد و اینچنین در دسته‌بندی چهارگانه‌ای که بیان شد، جزء دسته سوم قرار می‌گیرد؛ یعنی شعارهایی که در آن نقل به معنا رخ نداده ولی مضمون آن در روایات قطعی الصدور وجود دارد.

۲-۶. تاریخ نشان می‌دهد که از ابتدای خلقت، هیچ زمان و مکانی خالی از ظالم و مظلوم نبوده و به‌عنوان درسی از دین و فطرت، مظلوم باید برای احقاق حق خود و

اجرای عدالت علیه ظالم قیام نماید و این امر، وجهی برای توجیه درستی شعار مذکور است.

۳-۶. پژوهش حاضر نشان می‌دهد با توجه به اینکه مضمون دو روایت «لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» و «لَا يَوْمَ كَيَوْمِ الْحُسَيْنِ»، عبارت از این است که اوج جنایت علیه بشریت و والاترین مصادیق انسانی در کربلا بوده و در نقطه مقابل آن، اوج قیام و مبارزه با ظلم نیز در کربلا، توسط امام حسین علیه السلام و اهل بیت و یاران بزرگوار ایشان بوده است؛ شعار مورد بحث با دو روایت فوق الذکر تعارضی ندارد و کاملاً با آنها همسو و سازگار است.

۴-۶. ریشه شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءَ وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءَ» را در روایات، زیارات و دیگر سخنان به‌جای‌مانده از امام حسین علیه السلام به‌خصوص در حدیث «فَلَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ»، می‌توان یافت که رساننده لزوم تأسی از آن حضرت نه تنها در جهاد بلکه در همه جوانب حیات، در هر زمان و مکانی است؛ چه آنکه، با توجه به مورد و فضای صدور این حدیث (گرچه در مباحث اصول، منحصص و مقید نبودن مقوله‌هایی همچون اسباب النزول و فضای صدور به اثبات رسیده است)، آن حضرت، حرکت انقلابی خویش را در مقابله با طاغوت زمان، برای سایر مردمان، الگو معرفی می‌کند؛ بنابراین مضمون شعار مذکور را می‌توان در نگاهی جامع به نهضت حسینی یافت و با توجه به اینکه این حدیث در مسیر کربلا پس از مواجهه با سپاه حر، انشاء گردیده است و امام در بیان خویش ضمن اشاره به بیعت شکنی کوفیان، به لزوم قیام علیه حکومت یزید در جمله «أَنَا أَحَقُّ مَنْ غَيْرَ» تأکید می‌فرمایند، می‌توان جمله «فَلَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ» را علاوه بر اشتمال بر «لزوم وفای به بیعت»، نمادی از «الگوگیری» از نهضت آن حضرت برشمرد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. شاهد این مدعا، گفته محقق برجسته این حوزه، محدث نوری است که برخی افراد با «تمایل به اسطوره‌سازی و افسانه‌سازی» درباره ابوالفضل العباس علیه السلام گفته‌اند: «در جنگ صفین... وی هشتاد نفر را به هوا پرتاب می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که وقتی نفر هشتادم را به هوا پرتاب کرد هنوز اولی برنگشته بود و هرکدام برمی‌گشت، با شمشیر او را دو حصه می‌نمود.» (۱۳۸۸ش، ص ۲۹۹-۳۰۰) همچنین در مواضع از کتاب حماسه حسینی به این نکته عنایت شده است. (نک: مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۷، ص ۸۷-۸۹)

۲. برای نمونه داستان عروسی حضرت قاسم علیه السلام در این کتاب نقل شده است: «... و مسک بید ابته التي كانت مسماة للقاسم فعقد له عليها و أفرد له خيمة و أخذ بيد البنت و وضعها بيد القاسم...» (نک: طریحی، ۱۴۲۴ق، ص ۳۶۴-۳۶۶)

۳. از جمله مطالب مورد نقد در این کتاب ادعای ۷۲ ساعت بودن روز عاشورا است. «... إن الله رب العزة و القدرة قد مد یومئذ بقاء الشمس فوق الأرض، و كان مدة بقائها فوق الأرض مدة اثنين و سبعین ساعة...» (نک: دربندی، ۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۹)

۴. در این کتاب، قصه عجیب هاشم مرقال و نیزه هجده ذریه او آمده است: «نقل عن بعض الآثار المعتمدة أن المستشهد مع الحسين عليه السلام يوم كربلا هو عتبة بن هاشم هذا، و هاشم بن عتبة بن هاشم المذكور لا هاشم المرقال المعروف.» (مامقانی، بی تا، ج ۳، ص ۲۸۸)

۵. از مطالب عجیب این کتاب اینکه هنگام عزم امام حسین علیه السلام به قتال، ذوالجناب حرکت نکرد تا امام شرط شفاعت امت در روز قیامت را درحالی که بر ذوالجناب سوار است، پذیرفت. (نک: کاشانی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۸۳)

۶. نمونه تحریف این کتاب، نقل خطاب شهربانو به امام علیه السلام هنگام وداع است که گفت: «ای سید و سرور من، در این ملک غریبم، غمخواری و غمگساری ندارم، خواهران و دختران تو اولاد حضرت رسالتند، کسی را بر ایشان دستی نباشد... اما من دختر یزدجرد شهیارم و غیر از تو کسی ندارم، مبادا که دشمنان بعد از تو قصد من کنند...» (کاشفی، بی تا، ص ۳۴۹)

۷. «شعارهای عاشورایی» ترکیبی وصفی از «شعارها» و «عاشورایی»، و کلمه اخیر، اسم نسبت به عاشورا است. عاشورا که به «روز دهم محرم» اطلاق می شود، برگرفته از کلمه «عشر» به مفهوم «ده» است که طبق گزارش برخی از محققان، فقط بر روز دهم محرم الحرام اطلاق می شود؛ آن گونه که تاسوعا فقط به روز نهم این ماه گفته می شود. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۰۰) شعار واژه‌ای اصالتاً عربی است و در آن زبان در معانی علامتی که در جنگ یا غیر آن استفاده می شود: «العلامة فی الحرب و غیرها» (ابن منظور، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۰۹) و سخنی که در جنگ خطاب به دشمن گفته می شود تا یکدیگر را بشناسند: «ما ینادی به القوم فی الحرب لیعرف بعضهم بعض» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۵۰) و نیز به معنای پیراهن روی لباس زیرین: «ما تحت الدثار من اللباس» (طریحی، ۱۹۸۹م، ج ۳، ص ۳۴۹) به کار رفته است. همچنین، این واژه در زبان فارسی دارای مفاهیمی نظیر نشان و علامت، نشانه گروهی از مردم که به وسیله آن یکدیگر را شناسند، نشان و علامت سلطان یا امیر، یا خرقه‌ای چون علم سیاه یا سفید و یا کلمه‌هایی است که طریقه و آیین او را نمودار سازد (دهخدا، ۱۳۴۱ش، ذیل کلمه شعار) که نزدیک‌ترین آن مفاهیم به مفهوم مراد از این واژه در ترکیب با صفت عاشورایی است.

۸. برای نمونه، با دقت و بررسی در مورد شعار «إن الحیاة عقیده و جهاد»، ملاحظه می شود که تساهل

و تسامح در اعتبار حدیث که اساساً در نقل‌های تاریخی صورت می‌گیرد، باعث شده است این عبارت به چنان شهرتی دست یابد که گروهی آن را روایتی از امام حسین علیه السلام تلقی کنند. درحالی‌که محققان و پژوهشگران حدیث، بر این باورند که این عبارت، جمله‌ای مشهور است و حدیث نیست و در منابع و کتاب‌های روایی و تاریخی، اثری از آن یافت نشده است. (نک: مطهری، ۱۳۸۵ش، ص ۱۰۵) البته با جستجو و بررسی بیشتر درمی‌یابیم که این شعار، بخشی از یک شعر ارزشمند از شاعری مصری به نام احمد شوقی است که این‌گونه سروده شده است: قف دون رأیک فی الحیة مجاهداً/ إن الحیة عقیده و جهاد؛ یعنی در زندگی پای اعتقادات بایست و در راه آن تلاش کن؛ همانا زندگی، عقیده داشتن و در راه آن تلاش کردن است. ناگفته نماند که این بیت در شماره‌های مختلف روزنامه‌های «الحیة» و «الجهاد» در بالای صفحه به چاپ می‌رسیده و شاید به همین دلیل اینقدر شهرت یافته است. (مجیدی، ۱۳۷۴ش، ص ۵۷؛ صبری، ۱۳۹۹ق، ص ۲۴۷) شعار دیگری که از جهت شهرت، گوی سبقت را از دیگر شعارها ربوده، این شعر مشهور و منسوب به امام حسین علیه السلام است که: إن کان دین محمد لم یستقم/ إلا بقتلی یا سیوف خذینی؛ یعنی اگر دین محمد جز با جان‌سپاری من برپا نمی‌ماند، ای شمشیرها بیایید و مرا در آغوش بگیرید. نکته شگفت‌انگیز این است که به دلیل تکرار و اشتها این شعار، شاید کسی در حدیث بودن این شعار تردیدی به خود راه ندهد. درحالی‌که این جمله منبع روایی ندارد و بیتی از سروده‌های شاعری به نام محسن بن محمد کربلایی، معروف به ابوالحب است که در دیوان شعر او به نام *الحائریات* به چاپ رسیده است. (صحتی سردرودی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۲۴؛ هادی طعمه، ۱۴۰۳ق، ص ۵۳ و ۱۵۵)

۹. برخی به این شعار، عباراتی را چون «کل شهر محرم و کل فصل عزاء» اضافه کرده‌اند و این موجب شده است که برخی منتقدان در مقام ارزیابی آن چنین بنویسند: «به این ترتیب و لابد: کل قتل، شهادة و کل امام، حسین!» (صحتی سردرودی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۳۷)

۱۰. آن‌گونه که مشاهده خواهد شد، انطباق مضمون این شعار با روح آموزه‌های دینی امری مسلم است اما این به معنای روایت بودن عبارت «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» چه به صورت منقول باللفظ و چه به صورت منقول بالمعنی نیست.

۱۱. گفته‌اند او از قبیله «صنهاج» بوده و اصالتاً اهل «مغرب» است. برخی تاریخ ولادت او را سال ۷۰۶ق دانسته‌اند و بعضی ۸۰۷ق. (فروخ، ۲۰۰۶م، ج ۳، ص ۶۷۳)

۱۲. از شهیدانی که سرزمین طف و کربلا نمی‌گذارد مصائبشان را فراموش کنم. در این سرزمین حرمت شما را هیچ مرؤوس رعایت نکرد و رؤسا به عهد شما خیانت کردند. هر روز و هر سرزمین از غصه من به خاطر آن (شهیدان) کربلا و عاشورا است.

۱۳. وقتی در زیارت شهدای کربلا آمده است: «انتم لنا فرط و نحن لكم تبع و انصار» (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶ق، ص ۲۱۹) در حقیقت به مفهوم «تأسی» از آن‌ها تأکید شده و به آن‌ها اعلام می‌کنیم که راه شما

را ادامه خواهیم داد؛ زیرا شما راهبر و جلودار ما هستید. این تأسی و الگوپذیری از نهضت حسینی در طول تاریخ نمونه‌های زیادی دارد که مختص نهضت‌های اسلامی هم نیست بلکه رهبران مبارزات استقلال‌طلبانه غیرمسلمان نیز از این قیام الهی به‌عنوان الگوی خود یاد کرده‌اند. از جمله مهاتما گاندی که زندگی‌نامه امام حسین علیه السلام را مورد مطالعه و بررسی قرار داده، تنها راه غلبه هندوستان بر استعمار را سرمشق قرار دادن آن حضرت می‌یابد و با پیروی از ایشان، قیام ضد استکباری خود را آغاز و در نتیجه هند را از سیطره غرب رها می‌سازد یا قائد اعظم پاکستان، محمدعلی جناح نیز همین راه را در پیش گرفت و همه مسلمانان را به پیروی از امام حسین علیه السلام و الگو گرفتن از فداکاری، شجاعت و ایثار آن حضرت دعوت می‌کند. (محدثی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۷۹) علاوه بر اینکه نهضت حسینی بهترین الگوی آزادگان تاریخ است، در آن تمام فضایل انسانی و معنوی به‌عنوان الگو ارائه شده است؛ فضایی چون عشق به شهادت، فداکاری، شجاعت، اطاعت از پیشوا، بصیرت، اخلاص، ظلم‌ستیزی، مقاومت و ایثار.

۱۴. همه بزرگانی که شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ اَرْضٍ كَرْبَلَا» را مورد تأیید، استناد و تأکید قرار داده‌اند، معنای این جمله و شعار را تقابل دائمی بین جبهه حق و باطل دانسته‌اند که در همه زمان‌ها و مکان‌ها تکرار دارد و عاشورا و کربلا یکی از مهم‌ترین حلقه‌های این سلسله طولانی است. در این جبهه، آزادمدان همواره جلودار و پرچم‌دار بوده و مقابل ظلم و ستم، ایستادگی و در راه حق و حقیقت جان‌فشانی کرده‌اند. اگر در زیارت وارث (قمی، بی‌تا، ص ۲۹۱)، سرسلسله آزادگان، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را وارث پیامبرانی چون آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌دانیم به این معناست که راه امام حسین علیه السلام، تداوم راهی است که پیغمبران الهی در مبارزه بین حق و باطل در پیش گرفتند و پیروان آن حضرت در مکتب تشیع این راه را ادامه خواهند داد تا ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام که زمین را پر از عدل می‌کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.

۱۵. آیت‌الله نوری همدانی، در پیام نیمه شعبان سال ۱۴۲۴ قمری، به این شعار اشاره می‌کند و زندگی مسلمانان را عرصه تجسم این شعار می‌داند و به حرکت در راستای فرهنگ مبتنی بر آن، در نبرد با ظالمین و مستکبران جهانی تأکید می‌نماید. (پیام‌های حضرات مراجع عظام - دامت برکاتهم - به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۸۲ش، ص ۲۱) همچنین در متن جوابیه‌ای که آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در پاسخ به استفتائات مختلف مردم درباره وظایف مسلمانان در ایام عاشورا و مراسم عزاداری حسینی داده‌اند، به شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ اَرْضٍ كَرْبَلَا» اشاره می‌کند و معنی این شعار را «استمرار عاشورا در طول حیات بشر»، «امام حسین علیه السلام الگوی جاودانه تاریخ»، «فرهنگ عاشورا فرهنگ مبارزه با کفر و ظلم و بیدادگری»، «ترجیح مرگ سرخ توأم با آزادگی بر زندگی ذلت‌بار و ننگین» و... می‌داند (قم - ناصر مکارم شیرازی ۱۳۷۳/۳/۲۶ مطابق با ششم محرم الحرام ۱۴۱۵ق). (سرشار، ۱۳۷۹ش،

۱۶. در کتب حدیث شیعه از این روش با عنوان «رد الخیر علی الكتاب» یاد می‌شود و احادیثی هم در این باب در کتب حدیثی ذکر شده است. (کلینی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۶۹)

۱۷. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ عَلِيَّ كُلَّ حَقٍّ حَقِيقَةٌ وَ عَلِيَّ كُلَّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ.» (همان، ج ۱، ص ۶۹)

۱۸. روایت ابن ابی یعفور که می‌گوید: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ اخْتِلَافِ الْحَدِيثِ يَرَوِيهِ مَنْ نَشَقُّ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَا يَتَّقِي بِهِ قَالَ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ حَدِيثٌ فَوَجَدْتُمْ لَهُ شَاهِدًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أَوْ مِنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ إِذَا فَالَّذِي جَاءَكُمْ بِهِ أَوْلَى بِهِ.» (همان‌جا)

۱۹. «أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ ع دَخَلَ يَوْمًا إِلَى الْحَسَنِ ع فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ بَكَى فَقَالَ لَهُ مَا يَبْكِيكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَبْكِي لِمَا يُصْنَعُ بِكَ فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ ع إِنَّ الَّذِي يُؤْتِي إِلَى سَمِّ يَدْسُ إِلَى إِيَّايَ فَأَقْتُلْ بِهِ وَ لَكِنْ لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَزِدُ لِي إِلَيْكَ ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ يَدْعُونَ أَنَّهُمْ مِنْ أُمَّةٍ جَدْنَا مُحَمَّدٌ ص وَ يَنْتَحِلُونَ دِينَ الْأَسْلَامِ فَيَجْتَمِعُونَ عَلَيَّ قَتْلِكَ وَ سَفْكَ دَمِكَ وَ اتِّهَاكَ حُرْمَتِكَ وَ سَبِي ذَرَارِيكَ وَ نِسَائِكَ وَ اتِّهَابَ ثَقَلِكَ فَعِنْدَهَا تَجَلُّ بَنِي أُمَّيَّةَ اللَّغْنَةَ وَ تُمْطِرُ السَّمَاءُ رَمَادًا وَ دَمًا وَ يَبْكِي عَلَيْكَ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْوُحُوشُ فِي الْفَلَوَاتِ وَ الْحَيْتَانُ فِي الْبَحَارِ.» (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۱۱۶) افزون بر شیخ صدوق، دیگر دانشوران شیعی نیز این حدیث را نقل کرده‌اند. (نک: ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۳؛ سید بن طاووس، ۱۳۴۸ ش، ص ۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۵، ص ۲۱۸)

۲۰. روایاتی چون «لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» و «لَا يَوْمَ كَيَوْمِ الْحُسَيْنِ» می‌خواهد نشان دهد که آن روز دیگر در تاریخ بشر تکرار نمی‌شود. البته چه بسا استفاده برخی از گروه‌های چپ افراطی از این شعار، باعث شد برخی از محققان آن را به‌عنوان نگاه نویسندگان کتاب‌هایی بدانند که با تأثیرپذیری از زیدیه نوشته شده‌اند و شاخصه چشم‌گیر آن‌ها بیش از هر چیز از خون و شمشیر و خشونت در سخن گفتن است، در نتیجه «لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» و «لَا يَوْمَ كَيَوْمِ الْحُسَيْنِ» به این معنا نیست که روزهای عاشورایی و زمین‌های کربلایی وجود ندارد.

۲۱. «نَظَرَ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع إِلَى عُثَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَاسْتَعْبَرَ ثُمَّ قَالَ مَا مِنْ يَوْمٍ أَشَدَّ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ يَوْمٍ أُحُدٍ قَتِلَ فِيهِ عَمُّهُ حَمْرَةَ بِنْتُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَسَدُ اللَّهِ وَ أَسَدُ رَسُولِهِ وَ بَعْدَهُ يَوْمَ مَوْتِهِ قَتِلَ فِيهِ ابْنُ عَمِّهِ جَعْفَرُ بْنُ أَبِيطَالِبٍ ثُمَّ قَالَ ع وَ لَا يَوْمَ كَيَوْمِ الْحُسَيْنِ ع از دَلْفِ عَلَيْهِ ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِدَمِهِ وَ هُوَ بِاللَّهِ يَذْكُرُهُمْ فَلَا يَنْعَطُونَ حَتَّى قَتَلُوهُ بَعِيًا وَ ظَلَمًا وَ غَدَوَانًا ثُمَّ قَالَ ع رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ أَثَرَ وَ أَبْلَى وَ فَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاؤُهُ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جَعَلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ إِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَنزِلَةً يُغَبِّطُ بِهَا جَمِيعَ الشَّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۴۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۴، ص ۲۹۸) سید بن طاووس و علامه حلی به نقل از

احمد بن یحیی بلاذری (متوفای ۲۷۹ق)، صاحب کتاب *انساب الاشراف*، نقل کرده‌اند که جمله «لا یوم کیوم الحسین» در ذیل نامه‌ای که عبدالله بن عمر، بعد از شهادت امام حسین علیه السلام به یزید نوشته، نیز آمده است. (سید بن طاوس، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۲۴۷)

۲۲. بیضه (به کسر باء) آبگاهی است میان واقصه و عذیب.

۲۳. این روایت آن گونه که طبری از ابومخنف نقل کرده، از این قرار است: *أُبْهَى النَّاسُ؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يَغْيُرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ، وَكَأَقْوَلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَيَّ اللَّهُ أَنْ يُدْخِلَنِي مَدْخَلَةَ». «أَلَا وَ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَ تَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ، وَ أَظْهَرُوا الْفُسَادَ، وَ عَطَّلُوا الْخُدُودَ وَ اسْتَأْتَرُوا بِالْفِئَةِ، وَ أَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ، وَ حَرَمُوا خِلَالَ اللَّهِ، وَ أَنَا أَحَقُّ مَنْ غَيَّرَ. قَدْ أَتَنَى كُتُبَكُمْ، وَ قَدِمْتُ عَلَى رَسُولِكُمْ بَيْنَعَتِكُمْ أَنْكُمْ لَا تَسْلَمُونِي وَلَا تَخْدُلُونِي، فَإِنْ تَمَمْتُمْ عَلَيَّ بَيْنَعَتِكُمْ تُصَيَّبُوا رِشْدَكُمْ، فَإِنَّا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، وَابْنُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، نَفْسِي مَعَ أَنْفُسِكُمْ، وَ أَهْلِي مَعَ أَهْلِيكُمْ، فَلَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ، وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ نَقَضْتُمْ عَهْدَكُمْ، وَ خَلَعْتُمْ بَيْنَعَتِي مِنْ أَعْنَاقِكُمْ فَلَعَمْرِي مَا هِيَ لَكُمْ بِنُكْرٍ، لَقَدْ فَعَلْتُمُوهَا بِأَبِي وَ أَخِي وَابْنِ عَمِّي مُسْلِمًا! وَ الْمَعْرُورُ مَنْ اغْتَرَّ بِكُمْ، فَحَظَّكُمْ أَخْطَاءُكُمْ، وَ نَصِيحَتِكُمْ ضَيَعْتُمْ» فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَيَّ نَفْسِهِ وَ سَيُغْنِي اللَّهُ عَنْكُمْ، وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.*

## منابع

۱. آلاندوزی، محمد، «کتاب‌شناسی توصیفی-انتقادی پیرامون تحریف‌های عاشورا»، مجله آینه پژوهش، سال سیزدهم، شماره ۵ و ۶، ۱۳۸۱ش، ص ۱۵۹-۱۸۵.
۲. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز النشر، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، نجف: مرتضویه، ۱۳۵۶ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرّم، *لسان العرب*، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ق.
۵. ابن نما حلّی، جعفر بن ابی ابراهیم، *مشیر الأحزان و منیر سبیل الأشجان*، ج ۳، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۶. امین مقدسی، ابوالحسن، «مدح اهل بیت علیهم السلام در دیوان بوسیری»، فصلنامه علمی پژوهشی *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال چهل و ششم، شماره ۲ و ۳، ۱۳۸۰ش، ص ۳۸-۲۱.
۷. انوار، سید امیر محمود و عربی، نسیم، «انعکاس تشیع در آثار عربی ادبا و علمای استان فارس در عصر قنبرت»، فصلنامه علمی پژوهشی *پژوهش دینی*، شماره ۱۴، ۱۳۸۵ش، ص ۷-۲۴.
۸. بوسیری، محمد بن سعید، *دیوان بوسیری*، تحقیق محمد سعید کیلانی، مصر: شرکة مکتبة مصطفى البالی الحلبي، ۱۳۷۴ق.



جستاری در شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» سیر تاریخی شکل‌گیری، معناشناسی و صحت ۲۷۳

۹. بیرونی، ابوریحان، *الآثار الباقیه*، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶ش.
۱۰. «پیام‌های حضرات مراجع عظام - دامت برکاتهم - به مناسبت نیمه شعبان»، فصلنامه *انتظار موعود*، سال سوم، شماره ۸ و ۹، ۱۳۸۲ش.
۱۱. خمینی، سید روح الله مصطفوی، *صحیفه امام*، چ ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثا امام خمینی، ۱۳۸۹ش.
۱۲. دربندی شیروانی، آغا بن عابد، *اکسیر العبادات فی اسرار الشهادت*، کربلای معلی - عراق: العتبة الحسینیة المقدسة، قسم الشؤون الفكرية و الثقافية، ۱۴۱۵ق.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، تهران: چاپ سیروس، ۱۳۴۱ش.
۱۴. دهشیری، محمدرضا، «ادبیات گفتمانی امام خمینی»، فصلنامه پژوهشی *اندیشه انقلاب اسلامی*، پیش‌شماره، ۱۳۸۰ش، ص ۵-۲۰.
۱۵. رحمانی، محمد، «بعد سیاسی و احیاء عاشورا از منظر فقه»، فصلنامه علمی پژوهشی *حکومت اسلامی*، شماره ۲۷، ۱۳۸۲ش، ص ۱۹۵-۲۳۴.
۱۶. سرشار، علی‌اکبر، «نظرات علما و مراجع پیرامون عزاداری امام حسین (علیه السلام)»، ماهنامه *مبلغان*، شماره ۳، ۱۳۷۹ش، ص ۳۷-۴۵.
۱۷. سید بن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی، *التهوف علی قتلی الطفوف*، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۴۸ش.
۱۸. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۰ق، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، قم: خیام.
۱۹. صبری، محمد، *الشوقیات المجهولة، دراسات و أضواء جدیدة علی حیاة الشاعر و عصره و أدبه*، الجزء الثاني (۱۹۰۴-۱۹۳۲)، بیروت: دار المسیرة، ۱۳۹۹ق.
۲۰. صحتی سردودی، محمد، «تحریف‌شناسی تاریخ امام حسین (علیه السلام) با رویکردی کتابشناسانه»، فصلنامه *کتاب‌های اسلامی*، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۳۸۳ش، ص ۳۵-۸۰.
۲۱. \_\_\_\_\_، «بازخوانی چند حدیث مشهور درباره عاشورا»، فصلنامه *علوم حدیث*، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۳۸۱ش، ص ۱۲۰-۱۳۹.
۲۲. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، *أمالی*، چ ۵، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ق.
۲۳. \_\_\_\_\_، *عیون اخبار الرضا (علیه السلام)*، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۲۴. طاهایی، علی، «درگیری‌های شمال یمن: نقش و منافع عربستان در این نبردها»، فصلنامه *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، شماره ۳۹، ۱۳۸۸ش، ص ۱۰۹-۱۳۰.
۲۵. طبری، ابوجفر محمد بن جریر بن رستم، *تاریخ الامم والملوک*، چ ۲، بیروت: نشر دار التراث، ۱۳۸۷ق.
۲۶. طریحی، فخرالدین محمد، *المنتخب للطریحی فی جمع المراثی و الخطب المشتهر بالفخری*، چ ۱،

- بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۴ق.
۲۷. —، مجمع البحرین، بیروت: دار و مكتبة الهلال، ۱۹۸۹م.
۲۸. عزیزی، عباس، ۱۳۷۶ش، پیام عاشورا، قم: نبوغ.
۲۹. فروخ، عمر، ۲۰۰۶م، تاریخ الأدب العربی، بیروت: دار العلم للملایین.
۳۰. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، تهران: اسوه، بی تا.
۳۱. کاشانی، حبیب الله بن علی مدد، تذکرة الشهداء، تهران: شمس الضحی، ۱۳۹۰ق.
۳۲. کاشفی، حسین بن علی، روضة الشهداء، تهران: انتشارات اسلامی، بی تا.
۳۳. کلینی، محمد بن احمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۳۴. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف اشرف: مطبعة المرتضویه، بی تا.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، تهران: اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۳۶. مجیدی، عنایت الله، پژوهشی درباره یک شعار معروف «إن الحیوة عقیده و جهاد»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴ش.
۳۷. محدث نوری، حسین بن محمدتقی، لؤلؤ و مرجان در پله اول و دوم روضه خوان، تهران: آفاق، ۱۳۸۸ش.
۳۸. محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، قم: معروف، ۱۳۷۶ش.
۳۹. محمدی، یدالله، «انقلاب اسلامی و نقش تاریخ ساز امام خمینی در تولید قدرت نرم»، تهران: فصلنامه میان رشته ای مطالعات عملیات روانی، شماره ۲۰، ۱۳۸۷ش.
۴۰. مدنی، سید علی بن معصوم، الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعه، نجف: نشر مكتبة الحیدریه، ۱۹۶۲م.
۴۱. مطهری، مرتضی، انسان کامل، ج ۳۰، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۵ش.
۴۲. —، حماسه حسینی، تهران: انتشارات صدرا، بی تا.
۴۳. —، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۷، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۶ش.
۴۴. موسوی، سید محمد، «نقل های مجعول و مشهور»، ماهنامه مبلغان، شماره ۵۱، ۱۳۸۲ش، ص ۱۳۰-۱۳۶.
۴۵. موگهی، عبدالرحیم، «نهضت حسینی و رسالت مبلغان دینی»، فصلنامه پیام، شماره ۹۲، ۱۳۸۷ش، ص ۱۷-۳۲.
۴۶. نیلی پور، مهدی، شعارهای عاشورایی، اصفهان: انتشارات مرغ سلیمان، ۱۳۸۹ش.
۴۷. هادی طعمه، سلمان، تراث کربلا، ج ۲، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.